

آشنایی با منابع معتبر شیعه



عبدالکریم پاک نیا تبریزی

مقبولیت بسیار بالایی برخوردار و در بیش تر خانه های شیعیان نسخه ای از آن موجود بود؛ اما بعد از تألیف «مصباح کفعمی» در سال (۸۹۵ هـ. ق) «مصباح المتهدج» جای خود را به این کتاب داد.^۱

این کتاب در بین کتابهایی که درباره «ادعیه و زیارات» نوشته شده، بی نظیر است. خود علامه شیخ کفعمی در مورد ارزش و اعتبار این

«جُنة الامان الواقية و جُنة الايمان الباقية» از مشاهیر منابع شیعی است که در این فرصت معرفی می کنیم. این کتاب اثر «تقی الدین ابراهیم کفعمی» است که به «مصباح کفعمی» شهرت دارد؛ چون این کتاب به شیوه «مصباح المتهدج» شیخ طوسی نگارش یافته است و به آن شباهت زیادی دارد، مصباح نام گرفته و برای تمایز، به «مصباح کفعمی» معروف شده است.

در مورد منزلت والای این کتاب، معروف است که «مصباح کبیر» شیخ طوسی قبل از «مصباح کفعمی» از

۱. اعیان الشیعه، سید محسن امین، نشر دارالتعارف، بیروت، ج ۲، ص ۱۸۲.

کتاب می‌گوید: «من این اثر را از کتابهای مورد اعتماد جمع آوری کرده‌ام که باید به ریسمان محکم آنها چنگ زده شود و آن گونه‌ای تنظیم نموده‌ام که خواننده را به بالاترین درجات وصول به حضرت حق برساند.» او در آخر کتاب، فهرست منابع را یادآور شده که تعداد آنها به ۲۳۹ عنوان بالغ می‌شود.

این کتاب دارای ۵۰ فصل است که از احکام وصیت شروع می‌شود و با طهارت و مقدمات نماز ادامه می‌یابد و با ذکر نمازهای واجب و مستحب و تعقیبات نماز، وارد بحث ادعیه می‌شود.

اعمال شب و روز و دعاهای مختلف، هر یک در فصلهای جداگانه‌ای ذکر شده است. از فصل ۴۱ بحث زیارات شروع شده و پس از آن، مناسبتهای ایام سال، همراه با ذکر ولادتها و شهادتهای ائمه علیهم‌السلام بیان شده و در پایان کتاب، آداب دعا - که شامل عوامل استجاب دعا،

شرایط دعا کننده، کیفیت دعا و مقدمات و شرایط آن می‌باشد - بیان شده است. این کتاب دارای ترجمه‌های متعدد و تلخیص می‌باشد. کفعمی در این کتاب شریف به مناسبتهایی به نکات تاریخی و ادبی اشاره کرده است؛ از جمله قطعه‌هایی از واقعه کربلا، حماسه آفرینیهای امام علی علیه‌السلام در صحنه‌های مختلف، شعرهای مناسب و خطبه‌های بلیغ و جذاب برای روزهای عید فطر و قربان، و خطبه موقه حضرت علی علیه‌السلام که آن حضرت بدون حرف «الف» انشاد فرمود.

کفعمی بعد از تألیف این کتاب، مختصر آن را نیز به رشته تحریر در آورد. نام دیگر این کتاب «الجنة الواقیه» می‌باشد.

اولین عامل به مصباح کفعمی

مؤلف کتاب، اولین کسی است که به مطالب آن ایمان کامل داشته و بدان عمل کرده است. در مورد تقوا، زهد و عبادت او می‌گویند: «کفعمی به

به دستورهای شرع مقدس، شهرة خاص و عام بود. نگارش کتابهای مهمی برای تزکیه و تطهیر نفس مانند: «رسالة محاسبة النفس اللوامة و تنبيه الروح النوامه»، «بلد الامین»، «مصباح» و «رساله المقصد الاسنی» و «شرح صحیفه سجادیه»، دقت نظر وی در زمینه خودسازی و التزام او را به مبانی فکری و عملی ائمه اطهار علیهم السلام نمایان می‌سازد.

کفعمی به دعاها و اثرات شگفت‌انگیز آن اعتقاد کامل داشت. او اعمال عبادی، دعاها و تعقیبات نقل شده از ائمه معصومین علیهم السلام را نه برای تفنّن و یا به خاطر دیگران می‌نوشت؛ بلکه اول خود آن دستورها را عمل می‌کرد، آن گاه با ایمان راسخ و اعتقاد یقینی، برای دیگران نقل می‌نمود. او آثار دنیوی و اخروی دعاها را با تمام وجود باور کرده بود.

آثار شگفت‌انگیز دعاهاى مصباح

گاهی وی به آثار و نتایج دعا اشاره می‌کند و می‌گوید: «من اثر این

تمام اعمال، دعاها، عبادات و آداب زیارتگاهی که در کتاب «مصباح» خود آورده است، عمل می‌نمود و در ساعاتی که وقت او اجازه نمی‌داد، دعاها و عبادات آن روز را همسر عالم و عابد وی به جای می‌آورد.» و این چنین بود که کتاب مصباح او بعد از تألیف، سریعاً به خانه‌های شیعیان راه یافت. عاشقان و سالکان خداجو، «مصباح» کفعمی را همچون مشعلی روشنگر و زینت بخش محافل و مجالس مذهبی و روحانی می‌دانستند. او در واقع، عالمی عامل، عارفی واصل و پژوهشگری کامل بود. تألیفات وی در زمینه دعاها و عبادات و زیارتها، علامت روشنی بر زهد و تقوای وی و اهمیت دادن او به ارتباط با خداوند متعال است.

این دانشمند پارسا، در اثر تزکیه نفس و عبادتهای مخلصانه، در عالم سیر و سلوک، به کمال عرفان نائل آمد. او که زاهدی عارف و نیایشگری بی نظیر بود، در زهد و تقوا و التزام

دعا (یکی از دعاهای بعد از نماز صبح) را در کتابهای اصحاب بزرگوارمان خوانده‌ام.»
 و آنگاه به داستانی در این زمینه اشاره می‌کند که: «مردی از شیعیان در ایام گذشته به دردی مبتلا شد که تمام پزشکان از معالجه او عاجز شدند. او بعد از تلاشهای فراوان، از معالجه بیماری خویش مأیوس شد و تمام درها را به روی خود بسته دید، تا اینکه روزی کتابی را مطالعه می‌کرد که عبارتی توجه او را به خود جلب کرد. در آنجا نوشته بود: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که هر کس مبتلا به بیماری جسمی شده باشد، بعد از نماز صبح چهل مرتبه این کلمات را بگوید: «بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين حسبنا الله و نعم الوكيل، تبارك الله احسن الخالقين، و لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم» و سپس دست خود را به موضع درد بکشد، به خواست الهی شفا خواهد

یافت. آن مرد به این دستور عمل کرده و به اذن الهی شفا یافت.»^۱
 کفعمی در ادامه، این داستان را از مشاهدات خود نقل می‌کند: «پدر و استاد بزرگوارم اعتقاد فوق العاده‌ای به مضمون این روایت داشت و هیچ گاه در نماز صبح از انجام آن فروگذاری نمی‌کرد؛ البته آن بزرگوار اثر آن را دیده و با تجربه برایش ثابت شده بود. او با یک خانم نجیب و بزرگواری از یک خانواده اصیل ازدواج کرد. بعد از مدتی، در اثر بیماری جسمی، همسر صالح و شایسته او ماهها به بستر بیماری افتاد. پدرم از این وضعیت شدیداً آشفته و مضطرب گردید. او که در حال ناچاری به دنبال چاره‌ای می‌گشت، ناگهان این روایت به یادش آمد؛ لذا این دستور العمل شفا بخش امام صادق علیه السلام را به همسرش توصیه کرد که آن را ۴۰ روز بعد از نماز صبح،

۱. بحارالانوار، علامه محمد باقر مجلسی، نشر

شخصیت وی باز می‌دارد و شکوه و جلالت این عالم جلیل القدر را، نوشته‌ها و آثار جاویدان وی بر همگان آشکار می‌سازد.^۲

آشنایی بیشتر با مؤلف

علامه شیخ ابراهیم کفعمی، از دانشمندان بزرگ شیعه در قرن نهم و دهم هجری است. او عالمی وارسته، محدثی مورد اطمینان، ادیبی توانا، شاعری زبردست و هنرمندی خوشنویس بود. کفعمی به دلیل مهارت در دانشهای عصر خویش و تسلط به علوم مختلف، تألیفات متنوع و آثار بسدیعی را پدید آورده که موجب شگفتی دانشوران دیگر شده است. عبارات بلند تاریخ نویسان و شخصیت نگاران در مورد وی، نشانگر عظمت علمی و معنوی اوست.^۳

۴۰ مرتبه بخواند. بعد از انجام این دستور العمل، به اذن خداوند متعال آن خانم از مرض سخت خویش شفا یافت.^۱

کفعمی، در زهد، عبادت و خودسازی، سرآمد عصر خویش و سرمشق عارفان و زاهدان بود. کتاب «محاسبه النفس» وی - که در قالبی زیبا به زیور طبع آراسته شده - در نوع خود بی نظیر است و در مورد خودسازی و سیر و سلوک معنوی، عالی‌ترین رهنمودها را دارد.

علامه مجلسی علاوه بر نقل روایات کفعمی، بارها در کتاب «بحار الانوار» از نکات علمی، تفسیری و ادبی محدث کفعمی سود جسته و در معانی لغات مشکل و شرح بعضی جملات و عبارات سنگین، از نظرات این دانشمند فرزانه بهره گرفته است. وی در مورد فضل و عظمت و کمالات کفعمی می‌گوید: «کتابها و آثار او ما را از سخن گفتن در مورد

۲. بحار الانوار، ج ۱، ص ۳۴.

۳. القابی نظیر: اکابر علمای امامیه، اعیان محدثین شیعه، کثیر التبع و وجوه شیعه، حکایت از

۱. همان، ص ۱۵۲.

اعور همدانی، از قبیله همدان کشور یمن، مورد توجه خاص حضرت علی علیه السلام بود. عشق و علاقه وی به خاندان رسالت، به ویژه امیرالمؤمنین علیه السلام او را در ردیف شیفتگان و اصحاب سرّ آن حضرت قرار داده بود. او در اثر لیاقت و شایستگی توانست در زمینه فقه، حساب، قرائت و حدیث و... مطالب ارزنده‌ای از حضرت علی علیه السلام فرا بگیرد. احادیثی که وی نقل کرده است، مورد توجه دانشمندان اهل سنت، به ویژه مؤلفان «سنن اربعه»^۲ است. شدت علاقه حضرت علی علیه السلام به حارث همدانی را می‌توان از نامه ۶۹ نهج البلاغه فهمید. امام در یکی از سروده‌های خویش، خطاب به حارث همدانی فرمود:

۲. سنن چهارگانه اهل سنت عبارتند از: سنن نسائی، سنن ابوداود، سنن ابن ماجه و سنن ترمذی.

کفعمی در نیمه اول قرن نهم هجری، در یکی از روستاهای جبل عامل به نام «کفعم» یا «کفرعیما» و در خانواده‌ای علمی - مذهبی دیده به جهان گشود.^۱ این روستا نزدیک منطقه «جبشیت» بود. امروزه تنها آثار ویرانه‌های این روستا به چشم می‌خورد.

از تبار حارث همدانی

نسب کفعمی و شیخ بهایی به «حارث همدانی» صحابی گرانقدر حضرت علی علیه السلام می‌رسد. او به این نسبت خانوادگی افتخار می‌کرد و به خویش می‌بالید. «حارث بن عبدالله

گسترده‌ی اطلاعات علمی و نفوذ شخصیت معنوی وی در میان دانشمندان می‌کند.

۱. در مورد تاریخ تولد وی اختلاف وجود دارد؛ علامه سید محسن امین تاریخ ولادت او را سال (۸۴۰ ه.ق) ذکر کرده است. اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۱۸۵؛ اما اتمام نگارش کتابی را در سال (۸۴۳ ه.ق) به او نسبت می‌دهد. علامه شیخ آقا بزرگ طهرانی در «الذریعه» تولد او را در سال (۸۲۸ ه.ق) می‌داند. (الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۳، ص ۳ و ۱۲۳).

ابوذر، این ستاره روشنگر، که پیامبر گرامی اسلام ﷺ قلب او را با نور خدایی روشن نموده بود، همانند مشعلی فروزان منطقه جبل عامل را با نور ایمان منور ساخت و پیام نبوت و امامت را به قلبهای تشنه و دلهای آماده آن سامان به ارمغان برد.

عثمان با تبعید ابوذر به دمشق، معاویه را موظف ساخته بود زبان گویای ابوذر را، که همچون شمشیر برنده اسلام عمل می کرد، ساکت نماید. معاویه نتوانست ابوذر را ساکت کند و بدین جهت، او را به یکی از نقاط دور افتاده غرب دمشق، از منطقه جبل عامل تبعید کرد. ابوذر از این فرصت طلایی استفاده کرد و نفوس با استعداد مردم آن ناحیه را با نفس گرم خویش بیدار نمود و دلهای تشنه آنان را با معارف زلال اهل بیت پیامبر ﷺ سیراب کرد. در اثر تبلیغات وسیع این صحابی شجاع و صادق، ندای اسلام راستین و فضایل دودمان

یا حارِ همدان فمن یمت یرئی
من مؤمنٍ أو منافقٍ قُبلاً
ای حارث همدانی! هر که بمیرد،
چه مؤمن باشد چه منافق از اولین
لحظه مرا خواهد دید.

ای که گفتی من یمت یرئی
جان فدای کلام دلجویت
کاش روزی هزار مرتبه من
مردمی تا بدیدمی رویست

سرزمین شیعه پرور

منطقه «جبل عامل» یکی از مناطق پر برکت جهان تشیع است. از روزی که صحابی بزرگ پیامبر ﷺ ابوذر را از سوی حکومت امویان، به این منطقه از لبنان تبعید شد و بذر مبارک تشیع را در دلهای پاک مردم آن سامان کاشت، این شجره طیبه همواره در طول تاریخ میوه های شیرین و پربراری را به جهان اسلام عرضه کرده است.

۱. الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی،

مؤسسه الامام المهدي علیه السلام قم، ۱۴۰۹ ق، ج ۲،

پیامبر ﷺ در آنجا منتشر شد. از آن روز به بعد، جبل عامل به مرکز تشیع و کانون شیفتگان اهل بیت علیهم السلام تبدیل گردید و مردان و زنان بسیاری از شیعیان مخلص را در خود پرورش داد. امروزه وجود مسجدهایی به نام «ابوذر» در جبل عام، از این حقیقت تاریخی حکایت می‌کند و نشانگر حق شناسی مردم آن خطه از این یار فداکار پیامبر ﷺ می‌باشد.^۱

این سرزمین شیعه پرور و نابغه خیز، تاکنون شخصیت‌های والایی همچون: شهید اول، شهید ثانی، شیخ بهایی، شیخ حرّ عاملی، سید محسن امین، محمد جواد مغنیه و دهها متفکر دیگر را به جهان اسلام عرضه کرده است. درخشش و دانش اسلامی در این منطقه به حدی است که شیخ حرّ عاملی می‌نویسد: «در عصر شهید ثانی تنها در یکی از روستاهای جبل عامل،

هفتاد مجتهد مسلم در یک تشیع جنازه گرد آمده بودند»^۲

سایر تألیفات کفعمی

این دانشمند گرانمایه در طول زندگی پربار خویش، نتیجه سالها تلاش علمی و فرهنگی خود را در قالب کتابها و رساله‌های ارزشمندی به جهان دانش عرضه کرده است. او تألیفات فراوانی را در موضوعات مختلف علوم اسلامی به رشته تحریر کشیده و در تدوین و تکمیل آثار مذهبی، به ویژه آثار شیعی در قرن نهم هجری نقش به سزایی داشته است، تا آنجا که علامه مجلسی وجود این شخصیت پژوهشگر اسلامی را حلقه اتصال بین دو دانشمند نخبه شیعی؛ شهید اول و شهید ثانی می‌داند.^۳

تنوع موضوعات در آثار کفعمی، نشانگر تسلط کامل آن بزرگوار بر

۲. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، نشر آل البيت،

قم، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۷۶.

۳. اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۱۸۵.

۱. اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۲۲۸.

علوم مختلف و رایج عصر خویش می‌باشد. تاکنون نزدیک به ۵۰ اثر از تألیفات و تصنیفات این بزرگ مرد شناخته شده است که می‌توان آنها را در ۱۲ موضوع طبقه بندی کرد که عبارتند از: عرفان و سیر و سلوک، قرائت، تفسیر، ادبیات، شعر و قصیده، تاریخ، حدیث، اخلاق، عقاید، فقه، دعا و زیارت و موضوعات متفرقه.

اشعار و خطابه‌های فنی و ادبی

کفعمی علاوه بر خلق آثار متعدد و تألیفات متنوع در رشته‌های گوناگون علوم اسلامی، در عرصه ادبیات، شعر و خطابه همچون ستاره‌ای درخشید. خطابه‌های نغز و کم نظیر وی و اشعار بدیع و ابتکاری او در نهایت فصاحت و بلاغت می‌باشد. او در یکی از خطبه‌های زیبای خویش که در شرح «بدیعیه» خود گفته است، تمامی سوره‌های قرآنی را در آن مندرج کرده که موجب شگفتی اهل فضل و ادب گردیده است. شیخ احمد مقری

تلمسانی؛ محقق، مؤلف و ادیب سرشناس اهل سنت، بعد از ستایش از کفعمی، خطبه قرآنی وی را چنین نقل می‌کند:

«الحمد لله الذی شرف النبى العربى بالسبع المثانى و خواتيم البقرة من بين الانام و فضل آل عمران على الرجال و النساء بما وهب لهم من مائدة الانعام، و منحهم باعراف الانفال و كتب لهم براءة من الآثام، و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له الذى نجى يونس و هوداً و يوسف من قومهم برغد الانتقام، و غذى ابراهيم فى الحجر بلعاب النحل، ذات الاسراء فضاهى كهف مريم عليها السلام، و اشهد ان محمداً عبده و رسوله الذى هو طه الانبياء و حج المؤمنين و نور فرقان الملك العلام...»^۱

عظمت خطابه‌ها و اشعار کفعمی آنگاه به اوج می‌رسد که به روز غدیر و مدح امیر المؤمنین علیه السلام می‌پردازد. او

۱. نفع الطیب من غصن الاندلس الرطیب، احمد بن مقری تلمسانی، نشر دار صادر، بیروت، چاپ اول، ۱۹۹۷ م، ج ۷، ص ۳۴۰.

۱. میرزا عبدالله افندی؛ مؤلف «ریال العلماء» می‌نویسد:

«شیخ اجل، عالم فاضل و فقیه کامل مرحوم کفعمی، از بزرگان علمای اصحاب بود. عصر او به زمان ظهور شاه اسماعیل صفوی (اول) متصل شد. این بزرگ مرد جهان شیعه در انواع علوم رایج مهارتی تام داشت؛ بویژه در علوم عربی و ادبیات سرآمد عصر خویش بود. او عاشق کتاب و کاتبخوانی بود. کتابهای بسیاری را در کتابخانه اش جمع کرده بود که اکثر آنها کتابهای ارزشمند و نایاب و معتبر به شمار می‌آمدند. شنیده‌ام: هنگامی که وی وارد شهر نجف اشرف شد و مدتی در آنجا اقامت گزید، در کتابخانه خزانة حرم مطهر علوی علیه السلام مطالعات بسیاری انجام داد. او در آنجا از کتابهای فراوانی که در اختیار داشت، استفاده کرده و بسیاری از تألیفات خود را در رشته‌های گوناگون دانشهای بشری به رشته تحریر کشیده و مطالب نادر

هنگامی که در کربلا، کنار حرم امام حسین علیه السلام به سر می‌برد، قصیده‌ای در ۱۹۰ بیت و در توصیف روز غدیر و نامه‌های زیبای آن روز تاریخی و همچنین فضائل و مناقب امام علی علیه السلام سروده است که یکی از شاهکارهای ادبی تاریخ تشیع به شمار می‌رود.

از منظر شخصیت شناسان

کفعمی در اثر تلاشهای شبانه روزی و استقامت در تحصیل علوم، به مرتبه‌ای از دانش رسید که شخصیت نگاران بعد از وی، احاطه و تسلط او بر علوم مختلف را ستوده و او را پرچمدار علم حدیث و کاشف گنجینه‌های علوم و حکمت دانسته و از وی به عنوان زینت‌بخش عصر خویش و افتخار دانشمندان امامیه یاد کرده‌اند.^۱ که به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. مقدمه بلد الامین، ابراهیم کفعمی، نسخه احمد

«شیخ تقی الدین ابراهیم بن شیخ زین الدین علی بن شیخ بدر الدین بن شیخ محمد بن شیخ صالح بن شیخ اسماعیل حارثی همدانی خارفی عاملی کفعمی لویزی جبعی، یکی از چهره‌های درخشان قرن نهم هجری قمری می‌باشد که جامع علم و ادب بود.»^۲

علامه در کتاب با عظمت «الغدیر» بعد از ستایش شخصیت کفعمی، وی را در ردیف «غدیره سرایان» یاد کرده و قصیده غدیره او را در این زمینه نقل می‌کند. قسمتهایی از آن چنین است:

هنيئاً هنيئاً ليوم الغدير
و يوم العبور و يوم السرور
و يوم الكمال لدين الاله
و اتمام نعمة ربّ هفور
فدونكما يا امام الوري
من الكفعمي العبيد الفقير

۳. الغدير، علامه شيخ عبدالحسن اميني، نشر دارالكتب العربي، بيروت، ۱۳۹۷ ق، ج ۱۱، ص ۲۱۳.

و نایاب بسیاری استخراج کرده و در اختیار دانش دوستان و تشنگان علم و معرفت قرار داد.»^۱

۲. شیخ حرّ عاملی، نویسنده «وسائل الشیعه» می‌نویسد:

«او شخصیتی مورد اطمینان، فاضل، ادیب، شاعر، عابد و پارسا بود. او کتاب بزرگ و پر بار مصباح به نام «الجنة الواقیه» در سال (۸۹۵ هـ . ق) تألیف کرده است و همچنین «گزیده مصباح» و «البلد الامین» و «شرح صحیفه» از آثار اوست. وی اشعار بسیاری سروده و رساله‌های متعددی نیز تألیف کرده است.»^۲

۳. علامه امینی، برجسته ترین مورخ، محقق، شخصیت شناس و ادیب معاصر و نویسنده «الغدیر» می‌گوید:

۱. ریاض العلماء، عبدالله افندی، نشر کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی، قم، ۱۴۰۱ ق، ج ۱، ص ۲۱.

۲. امل الامل، شیخ حرّ عاملی، نشر کتبه الاندلس، بغداد، ج ۱، ص ۲۸.

تهنیت و تبریک باد به خاطر روز غدیر؛ روز شادمانی و خوشحالی.
روز کمال دین خداوند و روز اتمام نعمت توسط پروردگار بخشایشگر.

ای اهل بیت، ای پیشوایان جهان هستی! از کفعمی فقیر و بیچاره دستگیری کنید.

کفعمی در آخر مصباح، این قصیده را در ۱۱ صفحه تحریر کرده است.^۱

۴. خیر الدین زرکلی، از شخصیت نگاران اهل سنت می‌گوید:

«ابراهیم بن علی بن الحسن الحارثی عاملی کفعمی ملقب به تقی الدین، مردی ادیب و از فضلاء امامیه می‌باشد. او در روستای «کفرعیما» از توابع جبل عامل متولد شد و در همانجا وفات یافت. وی مدتی به شهر کربلا مسافرت کرد و در آنجا اقامت گزید. آثار وی در قالب نظم و

نثر به ۴۹ کتاب و رساله می‌رسد. سپس زرکلی تعدادی از آثار کفعمی را نام می‌برد.^۲

آرزوی مقدس

شیخ ابراهیم کفعمی در اواخر عمر خویش، در کربلا زندگی می‌کرد و محلی برای دفن خودش در آنجا معین کرده و وصیت نموده بود، و سروده ای نیز در این زمینه دارد که نهایت علاقه وی را به آستان مقدس امام حسین علیه السلام می‌رساند:

سَأَلْتُكُمْ بِاللهِ أَنْ تَدْفُونِي
إِذَا مِتَّ لِي قَبْرَ بَارِضِ عَقِيرِ
فَانِي بِهِ جَارَ الشَّهِيدِ بِكربِلا
سَلِيلِ رَسُولِ اللهِ خَيْرِ مَجِيرِ
فَانِي بِهِ لِي حَضْرَتِي خَيْرِ خَائِفِ
بِلا مَسْرِيةٍ مِنْ مَنكَرٍ وَ نَكِيرِ
أَمِنْتُ بِهِ لِي مَوْقِفِي وَ قِيَامَتِي
إِذَا النَّاسُ خَافُوا مِنْ لُظِي وَ سَمِيرِ
فَانِي رَأَيْتُ الْعَرَبَ تَحْمِي نَزِيلَهَا
وَ تَمَنُّهُ مِنْ أَنْ يَصَابَ بِغَمِيرِ

۲. الاعلام، خیر الدین زرکلی، نشر دارالعلم، بیروت، ۱۳۸۹ ق، ج ۱، ص ۵۳.

۱. مصباح کفعمی، ابراهیم ابن علی کفعمی، نشر رضی، قم، ۱۴۰۵ ق، ص ۳۰۰.

غریب و تنها در کوی او آرمیده
باشد.^۱

رحلت

کفعمی با تمام علاقه ای که به
کربلا داشت، موفق نشد تا آخر عمر
در آنجا بماند و میهمان حضرت ابی
عبدالله علیه السلام بشود. وی در اواخر عمر
خویش، سفری به زادگاهش نمود که
در همانجا وفات یافت و به خاک
سپرده شد.

بدین ترتیب، کفعمی بعد از عمری
تلاش و جهاد در راه احیای فرهنگ
اهل بیت علیهم السلام در سال (۹۰۵ ه.ق) در
آستانه سلطنت شاه اسماعیل صفوی،
در زادگاه خویش جهان را وداع گفت
و به لقای دوست شتافت.^۲

۱. اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۱۸۷.

۲. ریحانة الادب، محمدعلی مدرس تبریزی،
کتابفروشی خیام، ۱۳۴۷ ش، ج ۵، ص ۶۸؛ رساله
محاسبة النفس، ابراهیم بن علی کفعمی، نشر
مؤسسه قائم آل محمد علیهم السلام قم، ۱۴۱۳ ق، مقدمه،
ص ۲۱.

فکیف بسبط المصطفی ان یرد من
بعثائه ثاوبغیر نصیر

من از شما (خانواده ام) می خواهم
برای خدا، مرا بعد از مرگم در
سرزمین عقیر (کربلا) دفن کنید.

بدین وسیله من با شهید کربلا
همسایه خواهم شد؛ شخصیتی که از
سلالة پاک رسوله الله صلی الله علیه و آله بوده و
بهترین پناه دهنده است.

من به خاطر محبت آن بزرگوار،
بدون تردید از منکر و نکیر هیچگونه
واهمه ای نخواهم داشت.

من با توسل به سید الشهداء علیه السلام در
قبر و در روز قیامت از عذاب الهی در
امان خواهم بود و این در حالی است
که مردم از جهنم و شعله های آتش در
بیم و هراس خواهند بود.

من اقوام عرب را دیده ام که از
میهمان خویش حمایت می کنند و از
رسیدن آسیب به او جلوگیری
می نمایند.

چطور ممکن است فرزند
مصطفی صلی الله علیه و آله رد کند کسی را که